وزیر خارجه عربستان امروز به تهران می‌آید؛ بررسی برنامه‌های کاری این سفر و مناسبات عربستان و ایران در گفت‌وگو با محمدعلی سبحانی

اولویت دیدار باید تعمیق رابطه با ریاض باشد

نفس حضور فیصل بن فرحان در قامت وزیر امور خارجه بعد از ۷ سال قطعی روابط از نظر دیپلماتیک و در بُعدی نمادین به شدت حائز اهمیت است

عبدالرحمن فتح‌الهی: پس از مطرح‌شدن برخی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای داخلی و منطقه‌ای، نهایتا سفر فیصل بن فرحان به ایران قطعی شد. به گزارش شبکه العربیه، وزیر خارجه عربستان سعودی امروز شنبه برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات جمهوری اسلامی ایران در تهران حضور خواهد داشت. پیش‌تر خبرگزاری فرانسه، رأی‌الیوم و چند رسانه داخلی در کشور هم به سفر احتمالی بن فرحان اشاره کرده بودند. البته علی بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم نیز ظهر پنجشنبه هفته گذشته (۲۵ خرداد) در حاشیه همایش ملی روایت پیشرفت در جمع خبرنگاران اظهار کرد که وزیر امور خارجه عربستان هفته آینده به ایران تشریف می‌آورند و اقداماتی را در راستای گشایش سفارت خواهد داشت. ابراهیم نوروزی، کاردار سفارت ایران در کویت هم طی مصاحبه‌ای با روزنامه «القبس»، بدون ذکر تاریخی دقیق، گفت که فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان به زودی به تهران سفر خواهد کرد و این سفر در راستای تبادل هیئت‌های دیپلماتیک و گسترش و تقویت روابط دوجانبه است. آن‌طورکه روزنامه رأی‌الیوم به نقل از منابع سیاسی لبنانی گزارش داده است، «فیصل بن فرحان، به‌زودی حامل پیامی از سوی ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران است. گفته شده این پیام درباره توسعه روابط بین دو کشور خواهد بود». این سفر نخستین سفر مقامات سعودی در سطح وزیر به ایران بعد از قطع هفت‌ساله روابط تهران - ریاض است. البته ۱۹ فروردین سال جاری، یک هیئت فنی از عربستان برای بازدید از سفارتشان در تهران و بررسی مکانیسم بازگشایی آن و همچنین بازگشایی کنسولگری‌شان در مشهد، به ایران سفر کرده بودند. در این بین علاوه بر دو هدف فیصل بن فرحان از سفر به ایران در جهت ادامه دیدارها و رایزنی با مقامات ایران و احتمال بازگشایی سفارت در تهران و نیز ارسال پیام ملک سلمان، طیفی از ناظران از احتمال ورود ریاض به پروژه میانجیگری‌های انجام‌شده مسقط و دوحه پیرامون تنش‌زدایی در مناسبات تهران - واشنگتن سخن می‌گویند. در یک گزاره احتمالی، می‌توان گفت بعید نیست جو بایدن پس از احیای روابط ایران و عربستان به‌دنبال استفاده از برگ و وزن ریاض در جهت ادامه مذاکره با تهران برای تحقق یک توافق باشد. این روزها که محافل رسانه‌ای و کارشناسی مرتبا از وجود تلاش‌ها و دیپلماسی پنهان ایران و ایالات متحده برای حصول احتمالی یک توافق یا تفاهم می‌گویند، شاید حضور بن فرحان در ایران هم در این راستا قابل درک باشد. در این میان محمدعلی سبحانی ارزیابی کاملا متفاوتی از تحلیل ارائه‌شده پیرامون سفر بن فرحان به ایران دارد. چراکه از دیدگاه سفیر پیشین ایران در قطر، لبنان و اردن اکنون روابط تهران و ریاض بعد از سه ماه در نقطه‌ای از ثبات قرار ندارد که بشود به موضوع بازیگری عربستان در تنش ایران و آمریکا ورود کرد. در ازایش، مدیر کل خاورمیانه وزارت امور خارجه در دولت سیدمحمد خاتمی، نفس حضور فیصل بن فرحان در قامت وزیر امور خارجه بعد از هفت سال قطعی روابط را از نظر دیپلماتیک و در بُعدی نمادین به شدت حائز اهمیت می‌داند، چراکه این سفر مؤید آن است که روابط دو کشور به شکل رسمی برقرار شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح تحلیل و ارزیابی محمدعلی سبحانی از اهمیت، ابعاد و اهداف سفر فیصل بن فرحان به ایران است که سعی شده از زاویه دید آسیب‌شناسانه به موضوع نگریسته شود.

◆ جناب سبحانی برای اولین بار طی هفت سالی که از قطع روابط تهران - ریاض می‌گذرد، قرار است امروز (شنبه) فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی به ایران سفر کند. به عنوان دیپلماتی که سال‌ها در عرصه سیاست خارجی منطقه‌ای عربی حضور فعال داشته‌اید، آیا می‌توان گفت سفر رئیس دستگاه سیاست خارجی سعودی‌ها به معنای رسمیت‌بخشیدن به احیای روابط دو کشور است؟ از این بُعد اهمیت حضور بن فرحان در تهران چیست؟

اگرچه از اسفندماه سال گذشته و با امضای توافق سه‌جانبه پکن، روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به شکل رسمی آغاز شد و بعد از آن هم دیدار وزرای امور خارجه دو کشور و همچنین اقدام اخیر تهران در بازگشایی سفارت و کنسولگری‌اش در خاک عربستان به ازسرگیری روابط دوجانبه، رسمیت بیشتری بخشید، اما به نظر من سفر امروز (شنبه) فیصل بن فرحان به عنوان وزیر امور خارجه عربستان سعودی به تهران در عرصه سیاست خارجی و در یک حالت نمادین به معنای رسمیت‌بخشیدن تمام‌عیار به روابط دو کشور است. چون این سفر به معنا و مفهوم آن است که مناسبات ایران و عربستان سعودی به نقطه‌ای از ثبات و استحکام رسیده که وزاری امور خارجه سفرهای خود را به پایتخت‌های همدیگر آغاز کرده‌اند؛ بنابراین صرفا از این منظر، حضور فیصل بن فرحان در تهران اهمیت فراوانی دارد.

◆ طبق برخی گمانه‌زنی‌های خبری، در این سفر قرار است بن فرحان علاوه بر احتمال بازگشایی سفارت عربستان سعودی در تهران، حامل پیامی از جانب ملک سلمان، پادشاه عربستان برای ایران باشد. از این بُعد سفر وزیر امور خارجه سعودی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

موضوع بازگشایی فعلا در حد احتمال است و معلوم نیست که آیا در این سفر حتما سفارت عربستان در تهران بازگشایی خواهد شد، اما رایزنی‌ها و اقدامات نهایی با حضور بن‌فرحان دراین‌باره صورت خواهد گرفت. اگر هم که سفارت عربستان در تهران در این سفر بازگشایی شود که بی‌شک اهمیت حضور بن فرحان را دوچندان می‌کند. پیام ملک سلمان هم از حیث تعارفات دیپلماتیک می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف به شکل نمادین در عرصه مناسبات دوجانبه به روابط دو کشور، رسمیت و عمق بیشتری ببخشد. چون احتمالا ملک سلمان از رئیسی برای سفر به عربستان در این پیام دعوت به عمل خواهد آورد. اما موضوع مهم‌تر همان نکته‌ای است که در پاسخ به سؤال اولتان عنوان داشتم. صرفا نفس حضور وزیر امور خارجه عربستان سعودی بعد از هفت سال قطعی روابط دو کشور به معنای آن است که دیگر روابط تهران و ریاض به شکل رسمی برقرار شده است.

◆ به نکته مهمی اشاره کردید. پیرو گفته حضرت‌عالی برخی گمانه‌زنی‌ها احتمال بازگشایی سفارت عربستان در جریان سفر امروز شنبه فیصل بن فرحان به ایران را مطرح کرده‌اند، اما برخی ارزیابی‌ها خبر از آن می‌دهند که این اقدام (بازگشایی سفارت عربستان در تهران) امکان دارد با وقفه و تأخیر انجام شود و در این سفر بن فرحان شاهد بازگشایی سفارت عربستان به صورت رسمی نباشیم. در همین رابطه این گزاره احتمالی مطرح است که عربستان در تعلل برای بازگشایی سفارتش در تهران، نیم‌نگاهی به سیر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و عملیاتی‌شدن برخی تضمین‌ها دارد. آیا شما نیز چنین ارزیابی‌ای دارید؟

تأخیر در بازگشایی سفارت عربستان در تهران، اقدامی است که به موضوعات فنی و مسائل جزئی بازمی‌گردد، وگرنه تقریبا روابط دو کشور به شکل رسمی برقرار شده است. دیپلمات‌های دو کشور هم در ایران و عربستان حضور پیدا کرده‌اند؛در نتیجه تعلل و تأخیر ریاض در بازگشایی سفارتش در تهران را نمی‌توان به موضوعاتی که عنوان داشتید، ارتباط داد. به هر حال با اقدام برخی جریان‌ها و چهره‌های افراطی و تندرو در داخل کشور با حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد، روابط دو کشور در این هفت سال به گونه‌ای تیره بود که با رایزنی، میانجیگری و وساطت برخی کشورها، ریاض تمایلی به احیای روابط نداشت. اما طی سه ماه اخیر دو کشور به این نتیجه رسیدند که بهترین گزینه، احیای روابط است. از این رو فارغ از تمام موضوعات و احتمالاتی که برای سفر فیصل بن فرحان به ایران مطرح شده است، خود انجام این سفر، نقطه عطفی در رسمیت‌بخشیدن به احیای روابط دوطرفه و عبور از مرحله شکنندگی مناسبات است؛ یعنی روابط به این نقطه از اطمینان‌بخشی و ثبات رسیده است که وزیر امور خارجه عربستان به ایران سفر می‌کند.

◆ به دیگر گزینه‌های احتمالی پیرامون اهداف و دستور کار سفر بن فرحان به تهران بپردازیم. بعد از احیای روابط ایران و عربستان سعودی و ورود ریاض به یک فضای جدید، برخی تحلیل‌ها این امکان یا احتمال را مطرح می‌کنند که جو بایدن به دنبال استفاده از کارت کشورهای عربی در رایزنی و مذاکره با تهران و ایجاد توافق جدید یا یک تفاهم احتمالی است، کما اینکه اکنون دوحه و مسقط نقش جدی در این بین ایفا می‌کنند؛ازاین‌رو می‌توان برای سفر فیصل بن فرحان هم یک دستور کار مشابه را از سوی واشنگتن متصور بود تا آمریکا از کارت عربستان در مقابل ایران استفاده کند. شما قائل به این موضوع هستید؟

خیر.

◆ چرا؟

چون در درجه اول، اولویت با تلاش عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران برای ارتقا، گسترش و تعمیق روابط دوجانبه است. از طرف دیگر من در برخی مصاحبه‌ها هم به این نکته اشاره داشتم که ایالات متحده آمریکا و دولت جو بایدن مشکلی با ازسرگیری روابط ایران و عربستان ندارند یا اینکه کاخ سفید مخالف آن نبود که چینی‌ها با میانجیگری و وساطت خود به دنبال احیای روابط تهران و ریاض بوده‌اند، کمااینکه واشنگتن از تلاش پکن و احیای روابط دو طرف استقبال کرد. مضافا ایجاد روابط حسنه، متین، منطقی و مبتنی بر منافع و امنیت دو کشور و منطقه خاورمیانه هم چیزی نیست که ایالات متحده آمریکا در این برهه از آن واهمه داشته باشد چون به کاهش هزینه آمریکا در منطقه هم کمک می‌کند. به همین دلیل من معتقدم برای روابط ایران و عربستان که تنها سه ماه از احیای آن می‌گذرد، بسیار زود است که بخواهیم موضوع میانجی‌گری و وساطت ریاض در تنش‌زدایی یا موضوع مذاکره و توافق ایران و آمریکا را مطرح کنیم.

◆ به چه دلیل میانجیگری ریاض را زود می‌دانید؟

بالاخره باید مدتی از احیای رابطه ایران و عربستان بگذرد، مناسبات عمق بیشتری پیدا کند، مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و ... به شکل عینی از سر گرفته شود و شرایط به وضع بهتری برسد، آن زمان می‌توان از این احتمالات سخن گفت. فعلا تا رسیدن به این نقطه چند ماه و حتی یکی، دو سال زمان نیاز دارد. خیلی زود است که بخواهیم عنوان کنیم عربستان نیز مانند عمان و قطر به دنبال وساطت و میانجیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکاست.

◆ اما جناب سبحانی فراموش نکنیم در ادوار مختلف مذاکرات وین، چه در دولت حسن روحانی و چه در دولت رئیسی، عربستان سعودی بارها و بارها از تلاش خود برای ورود به مذاکرات یا دست‌کم گنجاندن مباحثی مربوط به کشورهای عربی در مذاکرات به‌عنوان پیش‌شرط احیای برجام سخن گفته است؛ پس نمی‌توان این گزاره را چندان دور از ذهن دانست که عربستان بی‌میل به ورود در مسئله مذاکرات تهران - واشنگتن و شکل‌گیری یک توافق باشد که منافع ریاض هم در آن مدنظر قرار گیرد؟

من در پاسخ به سؤال قبلی شما این موضوع را منکر نشدم؛ اما برای ورود به این مسئله، عربستان سعودی باید پایه و ریشه روابط خود با جمهوری اسلامی ایران را به یک نقطه باثبات و عمیق برساند، بعد از این موضوعات سخن بگوییم؛ نمی‌شود برای یک رابطه سه‌ماهه و اولین سفر وزیر امور خارجه عربستان سعودی به ایران، فوری از موضوع میانجیگری و وساطت ریاض در تنش تهران - واشنگتن یا تلاش عربستان برای شکل‌گیری توافق و از این قبیل مسائل سخن گفت. اتفاقا همین‌جا و در همین مصاحبه با روزنامه «شرق»، توصیه من به مقامات وزارت امور خارجه و دیگر مسئولان، آن است که تمرکز اصلی و اولویت خود را در سفر بن فرحان به تهران، روی تعمیق و گسترش روابط با عربستان سعودی قرار دهند و از پرداختن به دیگر موضوعات جانبی و حواشی به‌جد خودداری کنند تا این سفر، ان‌شاءالله پایه محکم و استواری برای ترسیم روابط حسنه و عمیق دو کشور مهم خاورمیانه و جهان اسلام شود. من معتقدم باید اولویت و تمرکز اصلی خود را در سفر بن فرحان روی ایجاد روابطی محکم، جدی و عمیق بگذاریم، به جای آنکه مسائل دیگری را پیش بکشیم.

◆ به حوزه مأموریتی شما هم برسیم. دراین‌میان موضوع تمایل‌نداشتن دوحه در بهبود و تعمیق روابط تهران - ریاض را چگونه می‌بینید؛ چراکه برخی اعتقاد دارند همان‌گونه که قطر از تلاش عربستان برای ترمیم مناسبات با حکومت اسد و بازگشت دمشق به اتحادیه عرب دل خوشی نداشت، چندان روی خوشی هم به بهبود روابط ایران و عربستان نشان نخواهد داد. آیا حضرت‌عالی معتقدید قطری‌ها چنین نگاهی به مناسبات تهران - ریاض دارند؟

من چنین باوری ندارم. اگر در برهه‌ای که شاهد قطع روابط عربستان سعودی و قطر بودیم و دوحه در تحریم کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس قرار داشت، می‌توانستیم عنوان کنیم که بهبود و تعمیق روابط تهران - ریاض مطلوب نگاه دوحه نیست؛ اما اکنون که روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، روابط خوبی است و قطر هم از نقطه بحرانی سابق عبور کرده است و روابط خود را با عربستان، بحرین و امارات به شکل سابق بازگردانده، دیگر نگرانی و واهمه‌ای برای قطری‌ها وجود ندارد که تمایلی به بهبود، تعمیق و گسترش روابط ایران و عربستان سعودی نداشته باشند. اتفاقا هرچه روابط تهران و ریاض عمیق‌تر باشد، برای قطری‌ها هم بهتر خواهد بود؛ چراکه می‌توانند از ظرفیت دو کشور به نحو شایسته و مطلوبی استفاده کنند. از طرف دیگر تعمیق روابط ایران و عربستان به شکل جدی و ملموسی روی امنیت خاورمیانه و به‌ویژه تنگه هرمز، دریای عمان و امنیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اثر خود را خواهد داشت. پس به نظر من نه‌تنها قطر بلکه هیچ کشوری در منطقه از احیای روابط ایران و عربستان و بهبود و تقویت مناسبات دوجانبه ناخرسند نیست. شما دیدید که علاوه بر عراق، قطر و عمان، برخی کشورهای دیگر هم جسته و گریخته تلاش‌های خود را برای ازسرگیری روابط ایران و عربستان داشتند؛ چون می‌دانستند احیای روابط چه اثر مثبتی بر امنیت منطقه دارد.

◆ باوجوداین جناب سبحانی فراموش نکنیم که قطر موتور محرکه مخالفت‌های جدی با تلاش عربستان برای احیای روابط ریاض - دمشق و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب بوده و هست.

بهتر است که به موضوع جنگ سوریه ورود نکنیم و آن را به تحولات جدید هم ارتباط ندهیم.

◆ چرا چنین اصراری دارید؟

چون تقریبا همه کشورهای منطقه و جهان با شدت و ضعف در جنگ سوریه و تحولات این کشور دچار خطای محاسباتی شدند. قطری‌ها هم در این سال‌ها به‌عنوان کشوری عمل کردند که بیشترین سرمایه‌گذار و هزینه را داشتند. به‌همین‌دلیل بدیهی است که دوحه به‌راحتی دست به تغییر سیاست در سوریه نخواهد زد و اگر قرار باشد تغییر سیاست کشورهای منطقه در قبال سوریه اجتناب‌ناپذیر باشد، یقین بدانید قطر، آخرین کشور یا جزء آخرین کشورهایی خواهد بود که نگاه خود را درباره سوریه، حکومت اسد و جنگ در این کشور تغییر خواهد داد؛ یعنی قطر تا لحظه آخر سعی خواهد کرد بر مبنای سرمایه‌گذاری و حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، لجستیک و... به منافع و برنامه‌های خود در سوریه دست پیدا کند. به‌همین‌دلیل پیش‌بینی می‌شد که دوحه با تلاش‌های عربستان در جهت ترمیم روابط با دمشق و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب مخالف باشد.

عکس: علی حامد حقدوست، ایرنا

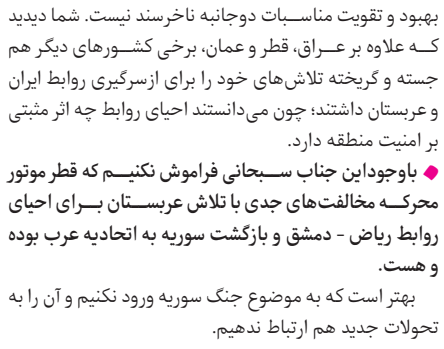

> محمدعلی سبحانی: در دوره روحانی، هدف از برخی رفتارهایی که رادیکال ارزیابی می‌شد، برهم‌زدن میز مذاکره و امکان حصول توافق بود. اکنون هدف از این رفتارها، تقویت توان چانه‌زنی برای مذاکرات است نه برهم‌زدن مذاکره. پس اینکه چه دولتی سر کار باشد، مهم است؛ مهم است حسن روحانی باشد یا ابراهیم رئیسی. نکته دیگری که باید مد نظر قرار داد متغیرهای فراوانی در داخل کشور، منطقه و سطح بین‌الملل است که می‌تواند هر لحظه روی رفتارها، تصمیمات، اقدامات و مواضع این جریان افراطی اثرگذار باشد

◆ به ارزیابی عمیق‌تری از روابط ایران و عربستان بپردازیم. اگرچه از اسفندماه سال گذشته و با امضای توافق سه‌جانبه پکن و ازسرگیری روابط تهران - ریاض، برخی رسانه‌ها و چهره‌های رادیکال داخلی هم ادبیات و نگاه خود را به عربستان تغییر داده‌اند و دیگر خبری از آن جملات و کلمات توهین‌آمیز و تهدید سعودی‌ها نیست و سعی می‌کنند براساس منافع و امنیت ملی دست به تهیه خبر و گزارش بزنند و در سه ماه اخیر هم حمایت جدی رسانه‌ای از احیای روابط با ریاض شکل گرفته است؛ اما چه تضمینی وجود دارد که یک سال دیگر، دو سال دیگر یا ۱۰ سال دیگر اتفاقی مانند ۱۲ دی ۱۳۹۴ تکرار نشود؛ چون در سال‌هایی که از عمر روابط ایران و عربستان می‌گذرد، روابط دوجانبه در مقاطع مختلف قطع شد و دوباره تلاش‌ها برای ازسرگیری مناسبات در دستور کار قرار گرفت. تا چه زمانی باید شاهد این موج سینوسی و قطع و وصل روابط باشیم؟

به سؤال بسیار مهمی اشاره کردید. واقعا من نمی‌دانم به سؤال شما چه پاسخی بدهم؛ چون نمی‌توان هیچ‌گونه پیش‌بینی‌ای از رفتار تندروهای داخلی در کشور داشت. چرا؟ چون این جریان یک جریان پیش‌بینی‌پذیر نیست. رفتار، اقدامات، حرکات، سکنات و تصمیمات این جریان‌ها، رسانه‌ها و چهره‌های افراطی و تندرو به‌هیچ‌وجه از قبل قابل ارزیابی نیست. این جریان هر لحظه امکان دارد دست به یک موضع‌گیری یا اقدام بزند که هزینه‌های جدی برای کشور به دنبال داشته باشد؛ کمااینکه در سال ۹۴ این اتفاق روی داد و هفت سال کشور را به یک بحران دیپلماتیک و امنیتی منطقه‌ای کشاند؛ بنابراین من هم در تصدیق نگرانی شما معتقدم استقبال رسانه‌های افراطی و چهره‌های تندروی کشور در ازسرگیری روابط ایران و عربستان و تغییر ادبیات و نگاه آنها نسبت به ریاض اگرچه مثبت است، اما لزوما به معنای آن نیست که در آینده نزدیک یا دور دوباره چنین رفتاری از این افراد و رسانه‌ها سر نزند و شاهد اتفاق مشابهی مانند دی‌ماه سال سال ۹۴ نباشیم؛ اما من معتقدم در این مقطع نباید قصاص قبل از جنایت کرد. باید از وضعیت و فضای مثبت کنونی در کشور استقبال کرد و آن را تقویت و پررنگ‌تر کرد. به هر حال در این مقطع، تغییر نگاه چهره‌ها و رسانه‌های افراطی هم اثر مثبت خود را داشته و خواهد داشت.

◆ این سؤال را از این نظر پرسیدم که به‌تازگی در مصاحبه‌ای درباره چرایی قطع روابط ایران و مصر عنوان کردید که «ما در سطح کارشناسی به نقاط خوبی برای برقراری روابط رسیدیم، به نحوی که وزیر خارجه فقید مصر علیه کمپ دیوید موضع‌گیری کرد و گفت کمپ دیوید به تاریخ پیوست. از این طرف اسم خیابان خالد اسلامبولی را من شخصا در شورای شهر مطرح کردم و شورا قانع شد که آن اسم را تغییر دهد و حتی بیانیه روابط را هم نوشتیم؛ ولی صبح روزی که قرار بود ساعت ۲ بعدازظهر بیانیه در رسانه‌های دو کشور خوانده شود، نماینده مصر به من زنگ زد و عکسی برای من از آقای (مهدی) چمران و چند نفر از گروه‌های تندرو فرستاد که کنار یک نماد از خالد اسلامبولی ایستاده بودند و گفت من از قاهره دستور دارم که مسیر توافق را متوقف کنیم». پس امکان بروز و ظهور این دست اقدامات وجود دارد، چه مشابه با خاطره شما از اقدام چمران، چه مشابه با آنچه در حمله به سفارت عربستان یا دیگر حوادث مشابه روی داد.

من در این خاطره خودم، قصد و نیتی برای اتهام‌زنی به هیچ‌کس به‌ویژه آقای (مهدی) چمران نداشتم. من فقط سعی کردم در یک نگاه آسیب‌شناسانه به دلیل یا دلایل افزایش هزینه‌ها در سیاست خارجی و چرایی قطع روابط با کشورهایی مانند عربستان، مصر و... بپردازم و یادآوری کنم چه کسانی و چه جریان‌هایی با چه رفتارها، تصمیمات و اقداماتی باعث شدند روابط ما با ریاض، قاهره و... پس از تحمیل و تحمل این‌همه هزینه به این نقطه برسد. اجازه دهید در همین گفت‌وگو با روزنامه «شرق» و پیرو اشاره شما به مصاحبه من، این روشنگری را داشته باشم که شاید واقعا در آن موضوع خود آقای چمران هم هیچ‌گونه عمدی نداشته‌اند که بخواهند از قصد کارشکنی در احیای روابط ایران و مصر داشته باشند و با آن اقدام خود و از سر آگاهی به دنبال قطع روابط دو کشور بوده باشند. شاید برخی چهره‌ها و جریان‌های تندرو بدون اعلام قبلی، سعی کردند آقای چمران را در یک عمل انجام‌شده قرار دهند. از طرف دیگر شاید آقای چمران هم به‌واقع به ابعاد جدی، اهمیت و تأثیرگذاری اقدام خود هم وقوف نداشت و نمی‌دانست که آن اقدامش می‌تواند چه ضربه‌ای به تلاش‌ها برای ازسرگیری روابط ایران و مصر بزند که زد.

◆ منظورتان رفتن بر سر قبر خالد اسلامبولی به‌عنوان نمادی از او بود؟

بله، تأکید دارم که شاید آقای چمران هم خبر نداشت؛ اما برخی افراد رفتند در بهشت زهرا قبری را تهیه کردند و آقای چمران هم در کنار چند نفر بر سر قبر خالد اسلامبولی به‌عنوان نماد ایستادند. این درست زمانی بود که بنده و آقای آصفی، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه، به شورای شهر هم رفته بودیم و درباره تلاش‌های انجام‌شده برای احیای روابط ایران و مصر هم گفته بودیم؛ پس جا دارد در همین مصاحبه و از نگاهی منصفانه عرض کنم که در همان زمان هم شورای شهر از احیای روابط ایران و مصر دفاع کردند؛ اما درست روزی که قرار بود بیانیه ازسرگیری روابط ایران و مصر خوانده شود، این اقدام (رفتن بر سر قبر نمادین خالد اسلامبولی)، باعث شد بیانیه و تمام تلاش‌ها کأن لم یکن شود. البته من نمی‌گویم همه‌چیز گردن آقای چمران و این اقدام است. به هر حال در آن زمان طرف آمریکایی هم تلاش می‌کرد روابط ایران و مصر احیا نشود؛ بنابراین مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر خود را گذاشت.

پس به شما این حق را می‌دهم که واقعا نگران باشید که هر لحظه امکان تکرار این دست اتفاقات وجود داشته باشد. بنابراین جا دارد که ما در یک نقطه به گذشته نگاه کنیم تا رسانه‌ها و چهره‌های افراطی از اقدامات و تصمیمات اشتباه خود درس بگیرند و از خطاهای که انجام دادند، تجربه بیندوزند. هرچند این تجربه‌اندوزی به بهای افزایش فشار و تحمیل سختی‌ها به مردم بوده است. البته اکنون در موضوع برجام هم شاهد وضعیت مشابهی هستیم. خب این توافقات احتمالی بین ایران و آمریکا، چه درخصوص زندانیان دوتابعیتی یا توافق هسته‌ای که زمزمه آن این روزها در رسانه‌ها مطرح است، در همان دولت روحانی هم می‌شد انجام بشود. چرا آن زمان این توافق با آن مشکلات مواجه شد و چرا اکنون باید به این توافق برسند؟! مگر در آن سال چه مشکلی وجود داشت که این توافق به شکل بهتر و با هزینه‌های کمتر و صدالبته امتیازات بیشتری برای کشور به دست آید تا این سال‌ها به این بحران اقتصادی و معیشتی برای مردم منجر نشود؟ فقط ظاهرا از سوی برخی فعالان سیاسی سعی شد تمام این امتیازات به نام دولت محبوبشان باشد و مهم نبود که این سال‌ها چه فشاری به مردم وارد می‌شود. واقعا این توافق احتمالی خیلی زودتر از اینها و به شکل بهتر و قابل‌دفاع‌تری در دسترس بود. بنابراین همان‌گونه که برخی افراد سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد را آتش زدند، برجام را هم به آتش کشیدند. باید این رفتارها در سیاست خارجی توسط رسانه‌ها و چهره‌های افراطی در یک نقطه پایان پیدا کند. تأکید دارم که این نکات باید بازگویی شود، نه برای آنکه به دنبال تهمت‌زنی و حمله به این و آن باشم بلکه سعی دارم در یک نگاه آسیب‌شناسانه به این واقعیت بپردازم که چه کسانی و چه جریان‌هایی سیاست خارجی را دچار هزینه‌های گزاف کردند؛ هزینه‌ای که بر دوش مردم افتاد؟ اکنون همین تغییر رفتارهای مثبت، چه در احیای روابط با عربستان، مصر، بحرین، اردن و توافق با آمریکا و آژانس، قابل دفاع است. مهم هم نیست چه دولتی و چه کسانی آن را انجام داده‌اند. حرکت به سمت عقلانیت و تنش‌زدایی در هر برهه‌ای باید مورد استقبال قرار بگیرد و سعی کنیم در رسانه‌ها از آن دفاع کنیم تا به عنوان یک رفتار ثابت در سیاست خارجی ادامه پیدا کند. چون نتیجه این رفتارها، بهبود وضعیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی و تأثیر مثبت آن بر فضای اقتصادی و کاهش فشار بر مردم است.

◆ با بخشی از گفته شما مخالفم که معتقدید سعی شده است برخی امتیازات از دولت روحانی گرفته شود تا به نام دولت رئیسی تمام شود. چون اخیر حسن روحانی هم عنوان داشته است که سعی شد با برخی اقدامات مانند شعارنویسی‌ها فضای مذاکره و توافق را به هم بزنند. بنابراین به اذعان رئیس‌جمهور سابق، نوع موشک شلیک‌شده مهم نبود بلکه شعار روی موشک بود که تمام معادلات را برهم زد. اما اخیرا هم در دولت رئیسی و درست در برهه‌ای که زمزمه‌ها برای احیای توافق پررنگ‌تر شده است، شاهد رفتارهای مشابهی هستیم؛ بنابراین ظاهرا برخی الگوها همان الگوهای گذشته است و فرقی ندارد که دولت روحانی روی کار باشد یا رئیسی. به نظر می‌رسد نوعی مقاومت با هرگونه توافقی وجود دارد؟

این دو نکته را با هم خلط نکنید. ببینید در دوره روحانی، هدف از برخی رفتارهایی که رادیکال ارزیابی می‌شد، برهم‌زدن میز مذاکره و امکان حصول توافق بود. اکنون هدف از این رفتارها، تقویت توان چانه‌زنی برای مذاکرات است نه برهم‌زدن مذاکره. پس اینکه چه دولتی سر کار باشد، مهم است؛ مهم است حسن روحانی باشد یا ابراهیم رئیسی. نکته دیگری که باید مد نظر قرار داد متغیرهای فراوانی در داخل کشور، منطقه و سطح بین‌الملل است که می‌تواند هر لحظه روی رفتارها، تصمیمات، اقدامات و مواضع این جریان افراطی اثرگذار باشد. برای مثال در حوزه متغیرهای بین‌المللی، در دوره اوباما اصرار داشتیم که باید هرچه زودتر و به شکل شایسته‌تر از فرصت مذاکره و دیپلماسی استفاده کرد. چون دولت اسبق آمریکا به دنبال مذاکره بود. چرا؟ چون این امکان وجود دارد که هر لحظه متغیرها در آمریکا تغییر پیدا کند، کمااینکه با پایان دولت اوباما شاهد روی‌کارآمدن دونالد ترامپ بودیم که همه چیز را به هم زد. اکنون هم وضعیت مشابهی وجود دارد و دولت بایدن هم به دنبال تکرار همان سیاست است. پس جا داشت در همان دولت روحانی و خیلی قبل‌تر از اینها از فرصت مذاکره با دولت بایدن استفاده می‌کردیم و توافقی را به شکل بهتر و با امتیازات بیشتر به دست می‌آوردیم. چرا؟

ادامه در صفحه ۵